

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید مطلبی که دیروز از آقای صدر نقل شد این بود که ما همین که احتمال دهیم یک ارتکاز نوعی (ارتکاز شخصی نبوده) متشرعی (از محیط شریعت پیدا شده) بر منع بوده بعد امام علیه السلام امر فرموده اند می فهمیم یک ارتکازی بر منع وجود داشته است که امام علیه السلام با آن ارتکاز مخالفت کرده اند از این رو امر، حمل بر وجوب نمی شود. آن ارتکاز و قرینه - به دست ما که بعد از چند قرن آمده ایم - نرسیده است و لذا تعجب کرده و می گوئیم چرا امر، حمل بر وجوب نشده و... به کلام ایشان اشکال می شود: بر راوی لازم است که ارتکازش را بیان کند مثلاً بگوید ارتکاز من این بوده که نماز طواف، جماعت ندارد و... بعد امام علیه السلام فرموده اند نماز طواف را با جماعت بخوانید. مرحوم صدر در پاسخ می فرمایند: بیان ارتکاز بر راوی لازم نیست اصلاً در بسیاری از اوقات، راوی التفات به ارتکازش ندارد. استاد: من فکر می کنم می شود به آقای صدر پاسخ داد و گفت: اولاً؛ این ارتکاز تا کجا می تواند مانع باشد؟ به محض اینکه شما احتمال ارتکاز دهید آیا مطلقاً و عموماً را کنار می گذارید؟

ثانیاً: آیا شما به این ملتزم می شوید آیا فقها به این نوع رفتار رضایت می دهند؟ در درس فقه که این روزها در گیر هستیم مثلاً بگوئیم یک ارتکاز متشرعی نوعی بوده که زن نمی تواند مرجع تقلید باشد و به واسطه همین ارتکاز، عموماً و اطلاقاتی را که می فرماید زن می تواند مرجع شود را کنار بزنیم. آیا شما ملتزم می شوید که با این ارتکازها، عموماً و اطلاقات کنار رود؟ فقها که چنین چیزی را ملتزم نمی شوند. فقها حرف آقای صدر را نزده اند و لذا چون ایشان در این نظر منفرد است نیاز به تامل بیشتر دارد.

ما یک مقداری باید تاریخ را مطالعه کنیم بسیار مهم است که ما تاریخ بیان شریعت را بدانیم؛ از زمان مکه تا اول غیبت کبری زمان بیان شریعت بوده است. ائمه علیهم السلام یا اصحاب ائمه بسیار محافظت بر حفظ تراث داشتند. تراث را همان طور که بوده حفظ می کردند. من تاسف می خورم گاهی اوقات به خاطر جهل به اهتمام ائمه نسبت به حفظ تراث، شبهاتی مطرح می شود که شما هم نمی توانید پاسخ دهید. مثلاً می گویند نقل به معنا رخ داده است و اگر قبول دارید که نقل به معنا داریم دقت بر روی کلمات چه معنا دارد؟ چه معنا دارد که می گوئید امام علیه السلام فاء به کار برده اند نه ثم، «او» گفته اند نه «واو» این ها فکر می کنند روایت خدمت امام می رسیدند مطالبی می شنیدند و بعداً از جانب خودشان روایات را بیان می کردند و... نقل به معنا اینگونه نیست روایات را ببینید نقل به معنا در حد مرادف به مرادف است مثلاً به جای می باشد، است می گفتند و... بعد که این نقل به معناها وقتی وارد کتب شد یعنی وقتی که اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام این نقل به معناها را نوشتند ائمه بعدی کتاب ها را کنترل کرده اند و فرموده اند مثلاً فلان جا را حذف کنید و... راوی گوید من بخش زیادی از روایات امام باقر و صادق را خدمت یکی از ائمه بعدی بردم، امام علیه السلام برخی ها را ایراد گرفتند برخی ها را تایید کرده اند و ما قسمت های که امام ایراد گرفته بودند را حذف کردیم یعنی توسط ائمه بعدی پالایش صورت گرفته است.

ما یک اصل بارش و ریزش داریم عصر صادقین علیهما السلام و یک عصر پالایش داریم عصر ائمه بعدی؛ البته من معتقد نیستم که 100% روایات پالایش شده اند چون برخی روایات یک دفعه در قرن ششم دیده می شود و می گویند فلان روایت در کتابی که از هندوستان آمده برای اولین بار دیده شده و... این ها که قطعاً پالایش نشده اند.

در مناظره ای که بنده در شش ساعت در قالب سه جلسه داشتم این مطلب بیان شد که طرف مقابل من گفت روایات صحیح در کنار روایات ناصحیح مثل انگشتی است در تل زباله ... متاسفانه در کشکول های ما هم همه چیز پیدا می شود و ایشان به

دو مورد اشاره می کند و اشکالش را مطرح می کند.

ولی باید دانست ائمه ما از تراث حفاظت کرده اند کنترل کرده اند مثلاً به اصحاب دستور داده اند قلم و کاغذ بیاورید و... البته من نمی گویم هرچه که هست درست است ما در موضع اعتدال می ایستیم؛ اتفاقاً به خاطر رد برخی روایات ما گاهی مورد حمله قرار می گیریم.

من یک موقعی آرزو داشتم کتابی با عنوان فقه و حدیث بنویسم خیلی هم مطلب در این سه یا چهار دهه جمع کرده ام اما معلوم نیست عمر اجازه نوشتن چنین کاری را بدهد یا نه

من در یادداشت هایم نوشته ام که ائمه و روایات بر حفظ تراث اهتمام داشته اند. البته نمی گویم همه روایات دقیق بوده اند چون ما یک راوی داریم که در نقل هایش بسیار مسامحه می کرده است از برازجان ایران به مدینه رفته است و...

ما به آقای صدر عرض می کنیم مطلب را اینقدر ساده نگیرید. این طور نبوده که راوی یک ارتکازی داشته و ملتفت به ارتکاز نبوده و امام علیه السلام پاسخ داده باشند؛ راوی و امام علیه السلام هم به ارتکاز اشاره نکرده باشند.

مثلاً ارتکاز راوی این باشد که نماز جماعت در طواف ممنوع بوده و... رفته از امام علیه السلام پرسیده است و امام هم امر فرموده اند با جماعت بخوانید. اینکه راوی و امام به ارتکاز ملتفت نباشند با تاریخ روایت نمی سازد.

شما باید تاریخ احادیث، تلقی اصحاب و... را باید بلد باشید اگر این ها را بلد نباشید روشن فکرها دست شما را خالی می کنند. مثلاً می گویند روایات اسرائیلیات، مجوسیات و... است.

اگر آقای صدر دقت می کردند خلاف مشهور هم صحبت نمی کردند.

مبنای ما تمرکز در سند نیست ما دنبال خبر موثوق هستیم نه خبر ثقه، ممکن است ما خبر ثقه را نپذیریم اما خبر موثوق را بپذیریم این ها به خاطر نگاه تاریخی ما به سیر احادیث است.

این را به عنوان موضوع پایان نامه می توان قرار دارد با عنوان: سیر تاریخی صدور روایات، تلقی روایات، نقل روایات به ما، آسیب های که بوده و...

سوالات

1. با توجه به کلامی که از عراقی خواندید محقق عراقی استحباب را از صیغه استفاده می کنند یا متعلق صیغه؟

پاسخ: ایشان از متعلق صیغه استفاده می کنند رجوع شود نه‌ایة الافکار ج 1 ص 210

2. امر عقیب حظر صرفاً برای بیان محدوده حظر و نهی است؛ بعضی وقت ها یک نهی ذکر می شود و بعد نهی محدود می شود مثل لا تاكلوا و لا تشربوا الی ما رایتم الهلال؟

پاسخ: امر عقیب حظر منظور بیان محدوده حظر نیست. ممکن است یک نهی بیاید و امری مخصص او باشد یا مقید زمانی او باشد. این ها محل بحث ما نیست در اینجا متعلق امر و نهی دو چیز است و ما در تحقیق خواهیم گفت در امر عقیب حظر متعلق امر و نهی باید واحد باشد.

3. ما که در عصر صدور شریعت نبودیم و همه خطابات برای ما کالمتصل است و فاقد تقدم و تاخر زمان هستیم چطور تشخیص بدهیم کدام امر عقیب حظر بوده و کدام نبوده است؟

این ربطی به مبنای دیروز ندارد ما چه همه را متصل بدانیم یا ندانیم این سوال هست ما 1200 یا 1300 سال با عصر صدور فاصله داریم از کجا بفهمیم عقیب حظر بوده یا نه؟

با توضیحی که در جواب به آقای صدر دادیم این اشکال تا حدودی حل می شود؛ در سایه تلاش ائمه و اهتمام اصحاب، خیلی قرائن روشن شده است نهایتاً اگر جایی شک کردیم عقیب حظر بودن نیاز به دلیل دارد.

دیروز یک سوالی شد در مورد اشهر حرم شد ما دیروز گفتیم یک اشهر حج داریم یک اشهر حرم و یک اشهر تغلیظ دیه؛ من دیروز اصرار می کردم که اشتباه محشی لمعه را نکنید. می دانید ما یک چیز دیگری داریم که دیروز نگفتیم قرآن می فرماید: ان

عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا منها اربعة حرم(36توبه) اربعة حرم همان 4 ماه تغلیظ دیه است که در این 4 ماه هم جهاد حرام است.

تحقیق

1. به نظر شما اگر ما بخواهیم نظر بدهیم در مورد اینکه امر عقیب حظر دال بر وجوب هست یا نه، نباید ابتدا مبنای خود را در دلالت صیغه امر بر وجوب مشخص کنیم؟ آیا دلالت صیغه از باب وضع لغت است آیا از باب عقلا است آیا از باب ظهور اطلاقی است و... اگر از باب وضع است (قول مشهور و مختار ما) باید ببینیم لغت چه دلالتی دارد. اگر بگوییم بنای عقلاست باید به سراغ عقلا برویم اگر بگوییم از باب عقل (مانند کلام محقق نائینی) است باید به عقل مراجعه کنیم.

2. به نظر شما این حرفی که ما با آقای صدر داشتیم آیا این حرف در این مورد اثر ندارد؟ ما گفتیم شارع اهتمام و احتفاظ داشته است. این را اضافه کنید که شارع دستوراتش فرا زمان و فرا مکان است و موردی نیست. روی این مطلب فکر کنید.

والحمد لله رب العالمین